



۲۰۱۸/۱۲/۰۲

خداداد خیراندیش

آسیب های حق مشارکت مردم در آئینه نظام انتخاباتی افغانستان



نقش مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی شان در نظام حقوقی افغانستان پذیرفته شده است (رجوع شود به ماده ۴ قانون اساسی). به نظر می رسد این روند در افغانستان تا اندازه ای در تئوری (لایه نظر) و بیش از حد در سطح تکنیکال (لایه عمل) به بحران جدی مواجه است.

- جلوه های مشارکت مردم:

الف: حق رأی

عمده ترین جلوه مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی شان، حق رأی است. به این مفهوم که سائر افغانها آزادانه بتوانند سرنوشت سیاسی خویش را تعیین نمایند. حق رأی در نظام های مردم سالار ویژگی های منحصر به خودش را دارد که مهم ترین شان قرار ذیل هستند:

۱ - همگانی بودن حق رأی:

همه افراد در یک جامعه حق برابر در استعمال حق رأی و شرکت در انتخابات را دارند. طبق این اصل تبعیض قومی، جنسیتی، نژادی و زبانی پذیرفتنی نیست. اگرچه محدودیت هایی از قبیل؛ سن، تابعیت، عدم داشتن سوء سوابق و غیره در قوانین اکثری کشورها شناخته شده است؛ اما این محدودیت ها همگانی است نه برای افراد مناطق خاص. در افغانستان در لایه نظر موانع برای این اصل دیده نمی شود؛ اما در لایه عمل متأسفانه حق رأی همگانی نیست. به گونه مثال زنان در اکثری مناطق افغانستان از استعمال حق رأی محروم هستند. بافت های اجتماعی و فرهنگی در جامعه ما مخصوصاً در مناطق جنوب و یا حتی والسوالی ها و قریه جات اکثری ولایات، باعث گردیده است زنان نتوانند در انتخابات شرکت کنند. پس می توان گفت که این اصل در افغانستان عملی نیست.

۲ - آزادی رأی:

به این مفهوم که ساکنان مستقر در هر حوزه انتخاباتی، آزاد هستند که رأی خود را استعمال کنند یا نکنند. هرچند در بعضی کشورها نظیر لوکزامبورگ، اهالی مکلف به استعمال حق رأی هستند و در صورت عدم استفاده از این حق،

جریمه می شوند. البته باید گفت که این موضوع جنبه عمومی دارد و برای همه باشندگان این کشور است نه طبقه خاص. در افغانستان بدبختانه وضعیت به گونه دیگری است. در بسیاری از حوزه های انتخاباتی و مراکز رأی دهی، مردان و زنان به زور به سوی صندوق های رأی آورده می شوند یا کارت های رأی دهی شان توسط افراد زورمند جمع آوری و به نفع کاندیدای مشخص استفاده می شود. از جانب دیگر در بسیاری از مناطق به بهانه های مختلف و طرح های از قبل تعیین شده نظیر ناامن اعلان کردن حوزه های انتخاباتی، مردم از استعمال حق رأی محروم می شوند. این کار زمانی اتفاق می افتد که افراد وابسته به حکومت و دارنده قدرت خام منافع خود را در افزایش رأی سائر رقبای خود در چنین محلات به خطر می بینند. هزاران مورد شکایت و گزارش از مراجع ذیربط گویای این حقیقت است.

۳ - آزادی انتخاب شدن:

همه باشندگان حق دارند در صورت داشتن معیارهای معین در قانون خود را کاندید نمایند و این جزء حقوق سیاسی مردم در افغانستان است. هرچند محدودیت هایی مانند؛ حد اقل تحصیلات، تابعیت، عدم داشتن سوابق سوء و حد اقل سن به صورت همگانی در قوانین افغانستان و سائر کشورها در نظر گرفته شده است که هیچ نقدی بر آن وارد نیست. در لایه عمل متأسفانه وضعیت به شکل دیگری است، به گونه مثال در حوزه انتخاباتی (الف) فرد یا افرادی ثروتمند و دارنده قدرت خام حاکمیت دارند، این افراد یا خودشان و یا وابستگان شان برای کسب کرسی نمایندگی کاندید هستند، در چنین وضعیت افراد شایسته دیگر اقبال کاندید شدن در این حوزه را از دست می دهند. در انتخابات ریاست جمهوری هم متأسفانه معیارهای غیر حقوقی مانند؛ حمایت کشورهای خارجی در ابعاد سیاسی و مالی، سوابق حزبی، مسائل قومی و غیره اقبال به میدان آمدن و کسب کرسی وکالت را از سایر واجدین شرایط و نخبگان می گیرد. پس می توان گفت این اصل نیز در لایه عمل منتفی است.

۴ - برابری رأی

همه افراد از هر طبقه و قوم حق برابری رأی را دارند. مثلاً رأی فرد متمول یا ثروتمند برابر است با رأی یک فرد تهیدست جامعه. هرچند در بعضی کشورها تفاوت های بوده است مثلاً؛ رأی یک ثروتمند فرانسه برابر به رأی دو فرد فقیر بوده است؛ اما امروزه در هیچ کشوری چنین وضعیت به نظر نمی رسد. در افغانستان هم خوشبختانه همه افراد از حق رأی برابر برخوردار هستند.

ب: برگزاری درست انتخابات

همان طوری که قبلاً اشاره نمودیم، حق رأی از جلوه های بارز حق مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی شان است. تضمین این حق با برگزاری انتخابات سالم با سازوکارهای درست و قانونی امکان پذیر می شود. برای برگزاری انتخابات سالم و شفاف حد اقل معیارهای ذیل لازمی به نظر می رسد.

۱- نظارت مستمر و مؤثر بر جریان انتخابات

انتخابات شیوه ای است برای کسب سمت وکالت و قدرت، طبیعتاً در جریان این روند رقابت ناسالم داوطلبان محتمل است. پس نهادهای کارآمد و مؤثری ضرورت دارد تا بر این روند نظارت نمایند. در کشورهای مختلف روش های مختلفی برای نظارت بر انتخابات در نظر گرفته شده است. نهادهای نظیر محاکم عالی، پارلمان و این وظیفه را به عهده دارند. به نظر می رسد نظارت توسط محکمه عالی کارآمد تر است؛ چون سائر نهادها در قدرت بیشتر

ذینفع هستند و امکان مداخله شان دور از تصور نیست. در افغانستان برای نظارت بر روند انتخابات نهادهای ملی و بین المللی در نظر گرفته شده است. به نظر می رسد سازوکار خوبی است؛ چون احزاب سیاسی، کمیسیون شکایات انتخاباتی و سایر نهادهای مشخص شده برای نظارت از استقلال نسبی برخوردار هستند؛ اما چون حاکمیت قانون (Rule of Law) و قدرت دولتی سراسری نیست، در بسیاری از حوزه های انتخاباتی ناظرین رفته نمی توانند و یا اگر حضور پیدا کنند، نمی توانند مستقلاً عمل کنند. اینجاست که در بسیاری از مراکز رأی دهی بدون حضور ناظرین و یا حضور بدون تأثیر شان، انتخابات برگزار می گردد.

۲- تبلیغات سالم انتخاباتی

روند معمول در همه کشورها این است که کاندیدها برنامه های شان را با استفاده از تبلیغات به مردم معرفی می نمایند؛ اما تبلیغات انتخاباتی شرایط و محدودیت هایی دارد.

الف - استفاده برابر همه کاندیدها از رسانه های جمعی:

همه رسانه ها در پخش و نشر برنامه های تبلیغاتی نامزدان، مکلف هستند به صورت مساوی عمل نمایند (رجوع شود به ماده ۷۸ قانون انتخابات). از جانب دیگر استفاده از امکانات و منابع دولتی برای مبارزات انتخاباتی منع است؛ اما بدبختانه عده ای از نامزدان مصارف سفرهای شان و حتی مصارف کارزارهای انتخاباتی خودشان را از منابع دولتی تأمین می کنند و این کار برای عده ای دیگری از نامزدان میسر نیست. بارها از رسانه ها و شبکه های اجتماعی دیده یا شنیده ایم که فلان کاندید عضو بر حال دولت است و سرگرم کمپاین می باشد یا فلان کاندید از طریق هلیکوپترهای نظامی به فلان مناطق جهت کمپاین سفر کرده است؛ در حالی که برای عده دیگری از نامزدان رفتن به محلاتی که هواخواهان زیادی دارند ممکن نیست.

ب- محدودیت در مصاف کارزارهای انتخاباتی

هرچند قانون انتخابات در مورد سقف مصارف برای کمپاین ها و منبع مصارف صراحت دارد (رجوع شود به ماده ۷۷ قانون انتخابات) اما در عمل افراد متمول میلیون ها افغانی را به گونه ناسالم در کمپاین های شان به مصرف می رسانند و اسفبارتر اینکه معلوم نیست این پول ها را از کجا آورده اند. بارها شنیده ایم که نامزدان قبل از انتخابات کارت های رأی دهی را با پول هنگفت خریداری می نمایند یا در روز انتخابات هر رأی را به شکل مستند (شخص رأی دهنده باید از ورقه رأی خود در پشت غرفه عکس بگیرد) به مبلغ گزاف خریداری می کنند که اوج رذالت برای رأی دهنده و خریدار رأی است. پس می توان گفت، مبالغ زیاد در رقابت های ناسالم انتخاباتی عامل بزرگی است که روند انتخابات در افغانستان را به بدنامی و ناکامی کشانده است.

۳- تقسیم عادلانه کرسی های انتخاباتی

کرسی های نمایندگی در تمام کشورهای جهان بر اساس معیارهای معین به صورت عادلانه تقسیم گردیده است. عمدتاً معیار نفوس در میان سائر معیارها مهمتر به نظر می رسد؛ اما در افغانستان یکی دیگر از مشکلات انتخابات، تقسیم ناعادلانه کرسی های نمایندگی در ولسی جرگه، شوراهای ولایتی و ولسوالی ها است. عامل عمده این مسئله عدم مشخص بودن نفوس افغانستان می باشد. به نظر می رسد یک سرشماری دقیق از نفوس افغانستان ضروری است و این کار می تواند تا حدود زیادی به شفافیت روند انتخابات در افغانستان کمک کند. ولایاتی دارای تعداد مساوی کرسی

هستند که به هیچ وجه از لحاظ نفوس برابر نیستند یا ولایات دارنده نفوس کمتر دارای کرسی بیشتری نسبت به ولایاتی هستند که به مراتب نفوس زیادتری دارند و این نقد بزرگ است که بر روند انتخابات در این کشور وارد است.

در یک جمع بندی به این نتیجه می رسیم که روند انتخابات در افغانستان در لایه عمل با آسیب های فراوان همراه است. حکومت افغانستان و نهادهای حمایت کننده انتخابات این کشور، بهتر است در قدم نخست برای حل این مشکلات اقدام نمایند در غیر آن برگزاری انتخابات با چنین وضعیت راه به جایی نخواهد برد و مثل همیشه، انتخابات افغانستان عنوان مناسب برای روزنامه ها و شبکه های خبری جهان خواهد بود و بدنامی ای به بدنامی های گذشته خواهد افزود. با چنین انتخابات و سازوکاری در عمل هیچ دردی از درد های مردم کشور ما مداوا نخواهد شد و هیچ منفعت برای جامعه ما نخواهد داشت. خداداد خیراندیش ۱۳۹۷/۹/۹

منابع:

- حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی/ سید محمد هاشمی
- قانون اساسی افغانستان
- قانون انتخابات افغانستان



توضیح اداره آریانا افغانستان آنلاین:
این مقاله با تشکر از وبسایت وزین "جام غور" اقتباس شده و بعد از تعویض اصطلاحات و کلمات فارسی ایران به دری افغانستان نشر شد.

